

پـــژوهـش هـــای

ایـــــران شنـــــاسـی

پـرســـش و پــاســـــخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

نوشتاری از وبگاه ایران شنــاسی

«هویّت ملّی و «دو اقلیت دینی»

نوشته ی دکتر محمودرضا افتخارزاده

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

*****

هویّت ملّی و «دو اقلیت دینی»

نگارش و نمایش ۱۳۸۷/۴/۱۱خورشیدی/آخرین ویرایش ۱۳۹٤/۱۲/۲۷خورشیدی

پرسش: با توجه به معنا و مفهوم هویت ملی، آیا مسیحیت و یهود یت می توانند «هویت ملی» را نمایندگی کنند ؟ و اصولا آیا آن گونه که یک ایرانی شیعه احساس هویت ایرانی می کند ، آیا یک مسیحی ایرانی می تواند احساس هویت ایرانی کند ؟ آیا مسیحیت وصله ی نا چسپ یا بیگانه ای در بستر هویت ملی ایرانی نیست ؟ باسپاس.

پاسخ: بااحترام هرچه تمام به دو اقلیت محترم یاد شده در این پرسش و پاسخ ، باید بدانیم که: یهودیت اصولا یک آیین منزوی قومی است و قصد تبلیغ و تکثیر نداشته و ندارد لیک ابعاد تخریبی نفوذ ناشناخته ای دارد که خطر آن از تهاجم آشکار ویرانگر تراست! در مقاطعی ازتاریخ ایران بویژه تاریخ پانصد ساله ی معاصر ایران، افرادی که از این قوم بنا به دلایلی، خواسته یا ناخواسته ، حساب شده یا بی حساب مسلمان شده اند فرزندان یا نوه و نتیجه های این یهودیان نو مسلمان(۱) توانسته اند در عرصه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی ایران نفوذ کنند و خواسته یا ناخواسته ، آگاهانه یا ناآگاهانه به «ویرانگری» بپردازند! در این نوشتار، تنها به یک مورد از ده ها مورد می توان اشاره کرد و شاهد آورد : زنده یاد«شجاع الدین شفا»کتابدار«کتابخانه ی پهلوی» و یکی از ارکان برجسته و مهم فرهنگی سیاسی رژیم «پهلوی دوم» بود ! وی ریشه و تباری یهودی داشت و نیاکان اش ازیهودیان کاشان بوده اند که در اوایل رژیم«قاجاریه» به ناچار «مسلمان» شده اند! زنده یاد «شجاع الدین شفا» یکی از ویرانگر ترین عناصر نفوذی «یهودیان نو مسلمان»بود که مشاور فرهنگی «محمدرضا شاه پهلوی» شد! همو بود که به شاه آموخت تا به «اسلام ستیزی» بپردازد و «تقویم تاریخ اسلامی»ایران را «تقویم تاریخ باستانی» کند!(۲) همو بود که به شاه توصیه کرد تا «جشن های دوهزار و پانصد ساله ی شاهنشاهی» را در ستیز با«افتخارات اسلامی ایران» برگزارکند! و همو بود که سرانجام فاتحه«رژیم پهلوی»را خواند و خود متواری شد! آنگاه بنا به «خوی ستیزه جو» و «خُلقِ ویرانگرنژادی» اش کمر به دشمنی با «فرهنگ و هویت ملی ایران»بست و تا آخرین روز زندگی اش از این«دشمنی شگفت»دست باز نداشت! سوگمندانه از این عوامل نفوذی ویرانگر در همه ی عرصه های سیاسی اقتصادی فرهنگی ایران حضور داشته و دارند!

اما وقتی می گوییم«مسیحیت» باید بدانیم که از یک عنصر ذاتا غربی سخن می گوییم .مسیحیت که در آغاز پیدایش یک آیین سامی شرقی بود ، در همان سده ی نخست پیدایش ،

استحاله گردید و غربی شد . و از آن پس ، اندیشه و فرهنگ غربی را نمایندگی می کند . تا آنجا که یک غربی پیش از این که«نیهیلیست»باشد یا «مارکسیست» یا «اگزیستانسیالیست» یا هر ایست و ایسم دیگری ، یک«مسیحی» است ! و این نکته ی قابل توجه و تاملی است .«مسیحیت»بلحاظ مبانی کلامی نیز یک «افسانه ی غربی» است . «تثلیث»که ارکان مسیحیت را تشکیل می دهد ، ریشه در «امانیسم افلاطونی» یونان دارد . چرا که مسیحیت شرقی در سال هفتاد میلادی وارد یونان شد . در آن مقطع تاریخی ، یونان از عصر اساطیر و خدایان گذشته و وارد دوران فلسفی خویش شده بود . «امانیسم»نقطه ی اوج این تفکر فلسفی بود . مسیحیت در یونان دچار دگردیسی شد و مروّج«انسان خدایی» یا «تثلیث»گردید . و با همین موجودیت دوباره در شرق گسترش یافت و مسیحیت شرقی را تشکیل داد .بنا بر این یک مسیحی شرقی ذایقه ی غربی دارد ، جهان بینی و فرهنگ غربی دارد و با میراث شرقی بیگانه است و نمی تواند رابطه بر قرار کند ، تظاهر به شرقی بودن می کند . نمی تواند نوروز را مانند کریسمس مزه کند ، احساس کند بفهمد و با آن رابطه برقرار کند .در این واقعیت هیچ تردیدی نیست. مشکل دیگر این است که مسیحیت مدعی است و بنا به ماهیت غربی اش تمایل به«سلطه»دارد و سلطه در تبلیغ و تکثیر مّیسر است . بدیهی است یک پدیده ی ذاتا ناهمساز با هویت ملی نمی تواند نشو و نما کند . مسیحیت از دیر باز در ایران باستان حضور داشته اما همواره«بیگانه» تلقی شده است ! در اینجا سزد که به یک برش تاریخی توجه کنیم و آن مسیحی کردن «ارمن ها»ست ! به این صورت : در روزگار ساسانی که ایران ابر قدرت روزگارش بود و رقیبی غدار و ناسازگار چون امپراتوری مسیحی روم داشت ، رومیان برآن شدند تا به تجزیه و تفرقه ی ایران و ایرانی بپردازند ! از این رو دست بکار شدند تا «ارمن ها» را که از دولت مرکزی ناراضی بودند و در نوار مرزی ایران و روم شرقی قرار داشتند مسیحی کنند و کردند ! بدین سان ارمن ها که یکی از اقوام ایرانی بودند و آیین رسمی ایران(=آیین زرتشت)را داشتند ، مسیحی شدند و در خدمت منافع و مصالح روم شرقی قرار گرفتند!

---

۱ - «......یکی از مشخصه‌های یهودیان مخفی تظاهر شدید به اسلام حتی افراطی‌تر از مسلمانان دو آتشه است به‌طوری‌که برای پنهان کردن هویّت خود نام خود را به اسلامی‌ترین نام‌ها تغییر می‌دهند، شدیداً تظاهر به اسلام می‌کنند، زندگی ظاهر ساده‌ای دارند، بسیار به خدا و پیغمبر قسم می‌خورند، بعضی از آنها خود را سّید می‌نامند، نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند و به حج می‌روند، مراسم مذهبی از قبیل دههٔ محرّم و روضه‌خوانی برگزار می‌کنند، به مراسم مذهبی کمک می‌کنند، حتّی در فراگیری قرآن و حدیث نیز از مسلمانان پیشی می‌گیرند، شدیداً بر علیه اسرائیل و صهیونیسم صحبت می‌کنند و از همه مهم‌تر برای بدست گرفتن امور مسلمین و منحرف کردن اهداف اسلام و خواست مسلمین مدتها در حوزه‌های علمیه به تحصیل می‌پردازند و حتی تا سطح مرجع تقلید نیز کسب فیض می‌کنند».«تظاهر شدید و افراطی ..... به دین اسلام مانند آنوسی‌ها (یهودیان پنهان) به حدی است که حتی ایشان ادعای حالات روحانی از قبیل هالهٔ نور، غذا خوردن با امام زمان، منتسب کردن اعمال و سخنان خود به او، اقتدا کردن فرضی نماز به او، گذاشتن ظرف غذا بر سر میز هیأت دولت برای امام زمان، ادعای مدیریت کشور توسط او، دیدن خواب

امام زمان و حتی ادعای ارتباط با امام زمان و گرفتن دستور از ایشان را نیز کرده که در روایات شیعه و سنی این امر کاملاً رد شده و شخص مدعی را دروغگو و دجال نامیده است».«دایرۀالمعارف یهود «یهودیان مخفی» را چنین معرفی می‌کند: «یهودیانی که خود را پیرو دین دیگر معرفی می‌کنند ولی در خانه‌های خود در خفا مناسک یهودی را بجا می‌آورند.»سرشناس‌ترین فرقۀ یهودیان مخفی در جهان اسلام «دونمه» نام دارد، دونمه به معنی برگشته و جدید الاسلام است که به گروهی از یهودیان ساکن عثمانی اطلاق می‌شود که در سدۀ هفدهم میلادی به پیروی از شابتای زوی و ناتان غزه‌ای یهودی، توده وار به اسلام گرویدند.اینان بیش از دو سده در نظام عثمانی فعالیت پنهان کرده و در مراکز مهم قدرت عثمانی نفوذ کرده و سرانجام آن را از درون منهدم نمودند».«عبدالله شهبازی می‌گوید: «برای شناخت این پدیده (یهودیان مخفی یا آنوسی‌ها) سال‌ها کوشیده‌ام، دریافتم که یهودیان مخفی در بسیاری از نقاط ایران فعالیت داشته و ریشه دوانیده‌اند ولی در تنها مکانی که این پدیده با نام رسمی فرقۀ دونمه شعبه یا شاخه پدید آورده دماوند است.در ایران پدیدۀ «یهودیت مخفی» با پدیده‌ای با نام «بهاییت مخفی» پیوند خورده است، این گروه‌ها در ایران نفوذ و فعالیت بسیاری در مراکز مهم قدرت داشته و بسیاری از این گروه‌ها وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی از جمله موساد اسرائیل هستند.این نفوذ به ایران منحصر نیست و سازمان‌های مخالف با این نظام در خارج را نیز در بر می‌گیرد......»(«نک : سایت حقایق پنهان)

۲- «........با توجه به اسناد، نقش سه تن از کارشناسان در این تصمیم پر رنگ بوده است: شجاع الدین شفا، معاون دربار شاهنشاهی، هادی هدایتی، معاون اجرایی نخست‌وزیر و خسرو بهروز، معاون برنامه سازمان برنامه و رئیس دفتر انفورماتیک.بر طبق نامه هدایتی به امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت در ۲۷ آذر ۱۳۵۴، او و شفا و بهروز طی مذاکره‌ای سه ساعته به سه دیدگاه درباره تغییر تقویم رسیده بودند.در این نامه و اسناد دیگر دلایل تغییر تقویم ذکر شده است....»نک :

http://www.bbc.com/persian/iran/2016/03/160314_l10_ha_iran_pahlavi_royal_calendar1



شجاع الدین شفا و ملکه فرح پهلوی



اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحثِ الكاتب و المترجم الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH

Iranian writer , Researcher & Translator

***